

## کارکرد حدیث در عرفان اسلامی

سید علی اکبر گندمی  
عضو حلقه علمی حدیث

**چکیده:** در عرفان اسلامی حدیث جایگاه ویژه‌ای داشته و همواره مورد توجه بوده است. عارفان دو رویکرد عمده را درباره حدیث داشته‌اند: رویکرد استدلالی که در آن یافته‌های شهودی و مبانی عرفان نظری به‌وسیله احادیث اعتقادی اثبات می‌شوند، و رویکرد استشهادی که از احادیث اخلاقی به عنوان مؤید مشاهدات در عرفان عملی به کار می‌روند.

**واژگان کلیدی:** عرفان نظری و عملی، احادیث اعتقادی و اخلاقی، رویکرد استدلالی و استشهادی، کارکرد حدیث.

### مقدمه

اهمیت هر علم به موضوع و یا غایت آن است. موضوع علم عرفان وجود مطلق «خدا» و غایت آن، وصال به آن وجود مطلق است به همین دلیل می‌توان علم عرفان را اشرف علوم نامید. همچنین بالاترین مرحله علم که حق الیقین یا همان «علم حضوری» است، ابزار عرفان به شمار می‌رود، از این دیدگاه هم می‌توان عرفان را اشرف علوم دانست.

عارف برای انتقال مفاهیم شهودی<sup>۱</sup> از دو ابزار استفاده می‌کند: نخست، عقل فلسفی و دیگر نقل‌های کتاب و سنت، بنابراین اعتبار سخنان عرفا در ادله نقلی‌شان منوط به اعتبار احادیث و روایاتی است که در کتاب‌های خود آورده‌اند. از این‌رو برخی عارفان تجربه‌های عرفانی خود را با مضامین روایات تطبیق کرده‌اند، مانند سید حیدر آملی در کتاب جامع‌الاسرار. در این نوشتار برآنیم تا در گزارشی مختصر با چگونگی استفاده عرفا از کتاب و سنت آشنا شویم.

## ۱. آشنایی با عرفان اسلامی

پیش از آغاز بحث شایسته است هر چند به صورت مختصر درباره عرفان و موضوع و جایگاه آن و مسئله کشف و شهود مطالبی ارائه گردد.

### ۱.۱. مفهوم شناسی

#### ۱.۱.۱. تعریف

#### الف: تعریف لغوی

عرفان در لغت به معنای شناختن، شناسایی و آگاهی است.

#### ب: تعریف اصطلاحی

«عرفان به عنوان یک دانش به دو بخش تقسیم شده است: عرفان عملی و عرفان نظری. عرفان عملی عبارت است از مباحثی که به تبیین رابطه انسان با خود، جهان و خدا می‌پردازد. در این بخش از عرفان توضیح داده می‌شود که «سالک» برای رسیدن به قلّه توحید باید از کجا آغاز کند و چه منازل و مراحل را طی کند و چه احوال و وارداتی برای او رخ می‌دهد؟

عرفان عملی بخش مهم‌تر عرفان است. این شناخت که باتوجه عمیق به نفس حاصل می‌شود، اما چون این ادراکات و مکاشفات شخصی هستند، قابل انتقال به غیر نمی‌باشند<sup>۲</sup> به همین دلیل عارفان برای اثبات مشاهدات و دریافت‌هاشان عرفان نظری را پایه‌گذاری کردند.

۱. البته آنها به قطع که ذاتاً حجت است پابند هستند و مکاشفات شهودی را «بعد از حصول یقین و رحمانی بودن کشف که توضیح آن بعد می‌آید» قطع می‌دانند لذا استدلال‌ات عقلی و آیات و روایات را باری بر دوش احساس می‌کنند برای همین عرفا از جمله قیصری در مقدمه خود در شرح فصوص در فصل یک در مسئله الوجود هو الله براهین، آیات و روایاتی را که ذکر می‌کند دلیل نمی‌شمارد و از آن تعبیر به تنبیه للمستبصرین بلسان اهل نظر می‌کند.

۲. پیش از این توضیح داده شد که طبق معیارهای خاصی که از شریعت گرفته شده صحت و سقم مکاشفه بررسی می‌شود.

### ۲.۱.۱. موضوع عرفان

موضوع عرفان، خداوند از جهت تجلی و ظهور و ارتباط او با غیر است. قیصری در این باره می‌نویسد: ولا شك أنه تبحت وتبين عن ذات الله وأسمائه وصفاته من حيث أنها موصلة لكل من مظاهرها ومستوياتها إلى الذات الإلهية فموضوع هذا العلم هو الذات الأحادية و نعوتهما الأزلية وصفاتها السرمدية»، بی شک موضوع مورد بحث عارفان، ذات و اسما و صفات حق تعالی است از آن جهت که هر کدام از مظاهر و تجلیات این اسما و صفات به ذات حق تعالی می‌رسند. بر این اساس موضوع علم عرفان، ذات احدیت و صفات ازلی و سرمدی است.<sup>۱</sup>

### ۲.۱. جایگاه عرفان از نگاه عرفا

برای درک جایگاه عرفان از دیدگاه عارفان، از شرح مقدمه قیصری بر فصوص از جلال الدین آشتیانی بهره می‌گیریم.

او انسان را دارای استعداد رسیدن به درجات بالاتر و والاتر از حیات می‌داند و هدف نهایی او را رسیدن به لذت عقلی که همان عشق خداوند است معرفی می‌کند. این لذت مخصوص انسان است. حقیقت تصوف را سلوک باطنی معرفی می‌کند و سلوک اهل نظر را مقدم و مقدمه سلوک باطن می‌داند اما با این فرق که بین مدرکات علمای رسوم و اصحاب مکاشفه شدت و ضعف وجود دارد به این معنا که علمای رسوم حقایق را در پرده و حجاب می‌بینند اما اهل کشف حقایق را بی‌پرده می‌بینند. از دیدگاه اولیا چنین کشفی سعادت حقیقی به شمار می‌آید، از این‌روست که سید اولیا و امیرمؤمنان علی 7 می‌فرماید: «لو كشف الغطاء لما ازددت يقيناً».<sup>۲</sup> بی شک راه اهل کشف به آن معنا که بیان شد بر راه اهل نظر ترجیح دارد. به همین دلیل دیدگاه‌های عارفان درباره مبدأ و معاد دل‌پذیرتر است.

آن‌انکه که انکار این معارف می‌کنند در بند اوهام گرفتارند و ارباب متفرق را بر حق واحد قهار ترجیح داده‌اند و دائماً در پرده‌های اوهام و تخیلات خود می‌باشند و تفریط در کنار حق آنها را هلاک کرده است. ﴿يا صاحبي السجن أأرباب متفرقون خير أم الله

۱. اسماعیل، منصورى لاریجانی، عرفان اسلامی، ص ۹۹.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۳۰۴.

الوَاحِدِ الْقَهَّارِ»<sup>۱</sup>، وجودک ذنب لا یقاس به ذنب<sup>۲</sup>». <sup>۳</sup>

گویند که ارتباط انسان "نفس ناطقه" با دنیای پیرامون ارتباطی بیگانه است. نفس انسانی برای برقراری ارتباط با غیر، هشت وسیله ارتباطی دارد که همه آنها مربوط به صورتها و مفاهیم ماهوی است؛ یعنی در این دانسته‌ها، صورت شی نزد او حاضر می‌شود نه خود شیء. بنابراین در مورد حقیقتی که صورت ندارد و از مفاهیم ماهوی نیز تهی است جز از راه کشف و شهود نمی‌توان سخن گفت.

عنقاء شکار کس نشود دام باز گیر      کانجا همیشه باد بدست است دام را  
ما عبدناک حق عبادتک<sup>۴</sup>.

کلّ ما میّزتموه بأوهامکم و ادرکتومه مثلاً فی نفوسکم و مصوراً فی أذهانکم فهو محدث مصنوع مثلکم فالعارف به فهو الموحد له برفع هذه الأسباب المستحيلة علیه.<sup>۵</sup>

حکیم ملاصدرا وجود را بسیط می‌داند و بر آن است که وجود بسیط را فقط از راه لوازمش یا مشاهده اشراقیه می‌توان شناخت: «إِنَّ إِنْجَاءَ الوجودات البسيطة لا سبيل إلى معرفتها إلاّ باللوازم أو بالمشاهدة الاشراقية، وإنّ ذا الحد المنطقي المركب من الجنس و الفصل ليس إلاّ الماهية الكلية النوعية».

همانا راهی برای شناخت انواع وجودهای بسیط وجود ندارد مگر از راه شناخت لوازم آنها یا مشاهده اشراقیه و آنچه دارای حد منطقی است، یعنی مرکب از جنس و فصل باشد، همان ماهیت کلیه نوعیه است.

با توجه به اینکه موجودات بسیط جزء ندارند، شناخت آنها از راه حد و برهان منطقی ممکن نیست. از این رو ملاصدرا برای اثبات واجب الوجود که حقیقتی بسیط است، برهان صدیقین را مطرح می‌کند. او آیه «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»<sup>۶</sup> را ناظر بر همین مطلب می‌داند.<sup>۷</sup>

۱. یوسف/۳۹.

۲. ملامحسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳. جلال‌الدین، آشتیانی، شرح مقدمه فیضی بر فصوص الحکم، ص ۰۷.

۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۴۱۲.

۵. حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، ارشاد القلوب؛ ج ۱، ص ۷۱.

۶. فصلت/۵۳.

۷. اسماعیل منصوری لاریجانی، عرفان اسلامی، ص ۹۰۱.

### ۳.۱. کشف و حجیت آن

شاهراه شناخت در عرفان اسلامی، روش کشف و شهود است. عارف سالک در سایه تهذیب نفس و تزکیه دل، حقیقت وجود را دریافت می‌کند. حکیمان مسلمان ریشه اعتبار معرفت شهودی را در قرآن کریم و سیره معصومین جستجو نموده و با بهره‌مندی از آیات و روایات، جایگاه رفیع آن را تبیین کرده‌اند و سالکان طریق معرفت را به وادی شهودی هدایت نموده‌اند.<sup>۱</sup>

عرفا برای تشخیص خواطر و شهودهای روحانی از شیطانی معیارهایی را تعریف کرده‌اند که فقط با رعایت آنها به مشهوداتشان یقین پیدا می‌کنند.

ابن عربی درباره حجیت تجربه‌های عرفانی می‌گوید:

تجربه اگر از آن معصوم باشد حجت است و اگر از عارف باشد صدق آن محتمل است و با دو شرط مورد قبول است: نخست اینکه فی نفسه محال نباشد و دیگر اینکه با ارکان شرع مخالفت نداشته باشد.<sup>۲</sup>

### ۲. رویکرد حدیثی عرفا

مبانی عرفان (نظری و عملی)، احادیث نبوی، سخنان پیشوایان و مشایخ و سنت پیامبر و امامان معصوم : است. عرفا پس از قرآن برای احادیث نبوی ۶ و روایات معصومین : اهمیت زیادی قائلند. به گونه‌ای که پس از هر مطلبی حدیثی را آورده‌اند. جنید در این باره می‌گوید: هر که حافظ قرآن نباشد و حدیث ننوشته باشد به وی اقتدا نکنید که علم ما مقید به کتاب و سنت است.<sup>۳</sup>

رویکرد حدیثی عرفا را می‌توان در دو بخش «استدلالی» و «استشهادی» مطرح کرد:

#### ۱.۲. رویکرد استدلالی

در این رویکرد از استدلال‌های حدیثی برای اثبات مبانی عرفانی و جداسازی عرفان‌های دروغین از عرفان راستین استفاده می‌شود. آیت الله جوادی آملی درباره دیدگاه ملاصدرا می‌گوید: صدرا «برخلاف بعضی عرفا» برهان را نه برای تنبیه بلکه دلیل مستقل و همتای عرفان می‌داند و عرضه آن را بر

۱. همان.

۲. ابن عربی، فتوحات، ج ۱، ص ۲۳ و ۳۳.

۳. مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، ص ۷۱.

قرآن واجب می‌داند نه مستحب.<sup>۱</sup>

صدرا در رویکرد حدیثی اصالت را به قرآن داده است و بر اساس حدیث ثقلین قرآن و عترت از هم جدایی ندارند و تفسیر صحیح قرآن بدون نظر معصوم میسر نیست.<sup>۲</sup> وی نسبت بین عرفان و قرآن را نسبت مقید به مطلق می‌داند و می‌گوید مطلق تمام آنچه را مقید داراست، دارا می‌باشد. مقید به خاطر نقص وجودیش، فاقد بعضی از شؤون مطلق است، به همین دلیل انسان کامل هم می‌تواند برخی از مشهودات خویش را به عارف ارائه دهد چه اینکه می‌تواند نزد حکیم برهان اقامه کند. «برهان قصور وجودی دارد ولی قرآن سعه وجودی دارد». او حتی ادعا می‌کند بیان‌های دینی در صورت برخورداری از شرایط لازم در سند و دلالت، می‌توانند حد وسط در برهان عقلی قرار گیرند.<sup>۳</sup>

عرفا همان‌گونه که برای اثبات صحت مفاد حدیث از قرآن استفاده می‌کنند، از عقل و شهود نیز بهره می‌گیرند برای مثال این حدیث که خداوند ارواح را ۲۰۰۰ سال قبل از اجسام آفریده است، مورد پذیرش قرار نگرفته است. به این دلیل که بر اساس برهان‌های موجود تقدم نفس بر بدن ناممکن است.<sup>۴</sup> و یا حداقل در این گونه موارد به تأویل حدیث می‌پردازند.

در این قسم، محوریت با حدیث است و توضیحات و استدلالات عقلی به عنوان شرح و تفسیر متن پذیرفته می‌شود.

برخی از کتاب‌هایی که بر این اساس نوشته شده است از این قرار است:

#### ۱، ۱، ۲. رساله قشیریه

رساله قشیریه در موضوع عرفان عملی است. در بخش‌های مختلف این کتاب از روایات استفاده شده است.

درباره «توبه» چنین نوشته است: قال الله تبارک وتعالی: ﴿توبوا إلى الله جميعاً أيها المؤمنون لعلکم تفلحون﴾<sup>۵</sup>، و پیامبر گفت: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له»<sup>۶</sup>.

۱. عبدالله جوادی آملی، رحيق مختوم، ج ۱، ص ۱۷.

۲. سیدعلی عباس موسوی، فقه الحدیث از دیدگاه عرفا، مجله علوم حدیث، سال یازدهم ۳۹، ص ۹۸.

۳. عبدالله جوادی آملی، رحيق مختوم، ج ۱، ص ۱۷.

۴. سیدعلی عباس موسوی، فقه الحدیث از دیدگاه عرفا، مجله علوم حدیث، سال یازدهم ۳۹، ص ۹۸.

۵. نور/۳۱.

۶. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۳۵.

درباره «رؤیا» نیز پس از بیان آیه ﴿لَهُمُ الْبَشَرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾<sup>۱</sup> این حدیث را آورده است: ابودرداء گفت: از پیامبر اکرم ﷺ درباره این آیه پرسیدم فرمود: خواب نیکوست که مرد ببیند و یا او را ببینند، و یا در حدیثی دیگر درباره خواب از عبدالله نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر که مرا به خواب ببیند مرا دیده باشد، چرا که شیطان خویشتن به مثال من نتوان نمود.

و یا در باب ۴۹، درباره محبت آیه ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾<sup>۲</sup> را مطرح می‌کند. سپس از ابوهریره حدیثی را نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر که دیدار خداوند را دوست دارد، خداوند نیز دیدار او را دوست دارد و هر که دوست ندارد، خدا نیز همانطور.

در حدیثی دیگر انس بن مالک از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند: «هر که ولیّ مرا حقیر داند، با من در جنگ درآمده و بنده تقرب نجوید به چیزی بهتر از فریضه...». و سپس حدیثی از ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «چون خداوند بنده‌ای را دوست دارد به جبرئیل گوید او را دوست بدارید پس او را اهل زمین دوست می‌دارند و چون بنده‌ای را دشمن دارد، مالک گفت: بی شک درباره دشمن نیز همین را فرموده باشد.»<sup>۳</sup>

#### ۲،۱،۲. شرح اسماء الحسنی ملاهادی سبزواری

ملاهادی سبزواری در ذیل این فقره از دعای شریفه "اللهم إني بسمك" دلیل حذف "الف" را چنین بیان می‌دارد: چون "الف" اشاره به ذات دارد و "ب" به عقل که صادر اول است اشاره دارد، و ذات نسبت به عقل، علت است و علت حدّ تام نسبت به معلول است. در حکمت نیز ثابت شده است که معلول نسبت به علتش امکان فقری دارد. برای اثبات این مطلب به حدیث امام علی ۷ استشهد می‌کند: «ما رأيت شيئاً الا و رأيت الله قبله و بعده»<sup>۴</sup> و سپس حدیث دیگری را مطرح می‌کند: «استتر بشعاع نوره عن نواظر خلقه»<sup>۵</sup> می‌گوید خدا علتی است که از فرط نورش "سعه وجودیش" مخفی است. به همین دلیل "الف" در "ب" منطوقی شده است.<sup>۶</sup>

۱. یونس/۶۴.

۲. مائده/۵۴.

۳. ابوالقاسم عبدالکریم هواز بن عبدالملک بن طلحه بن محمد قشیری، رساله قشیری، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی.

۴. ملاهادی سبزواری، شرح اسماء الحسنی.

۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۴۰۳.

۶. ملاهادی سبزواری، شرح اسماء الحسنی، ص ۴۸.

### ۳،۱،۲. شرح دعای صباح ملاهادی سبزواری<sup>۱</sup>

در این کتاب، دعای جوشن به ۷۳ فقره تقسیم شده است. در هر فقره پس از توضیح ادبی واژگان به شرح ظاهری آن می‌پردازد. سپس به بیان معانی باطنی آدم می‌پردازد و می‌گوید: این شرح را برای این نوشتن تا از اعماق معانی کلمات معصومین پرده بردارم.

یکی از مهم‌ترین مباحث عرفانی کتاب در فقره ۲۸ در کشف می‌باشد. در شرح این فقره "ان خذلنی نصرک عند محاربة النفس والشيطان فقد وکلنی خذلانک إلی حیث النصب والحرمان"<sup>۲</sup> ابتدا معنای لغوی آن را بیان می‌کند و سپس به شرح آن می‌پردازد.

او انسان را دارای مراتب هفت‌گانه معرفی می‌کند: طبع، نفس، قلب، روح، سرّ، خفی، اخفی. سپس به حدیث بلندی از امام علی ۷ «أرید أن تعرفنی نفسی» اشاره می‌کند و در توصیف وجود فرشته و شیطان و کیفیت محاربه چند اصل را مطرح می‌کند. در اصل چهارم از کشف سخن به میان می‌آورد و کشف را به صوری و معنوی دسته‌بندی می‌کند و برای هر قسمت به حدیثی از پیامبر اکرم ۶ استشهد می‌کند. کشف شمی: «إِنَّ لَهِ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعَرَّضُوا<sup>۳</sup>، إِنِّي لِأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ قَبْلِ الْيَمَنِ<sup>۴</sup>» کشف لمسی: «وَضَعُ اللَّهُ كَفَهَ بَيْنَ كَتْفِي فُوجِدْتُ بَرْدَهَا بَيْنَ ثَدْيِي<sup>۵</sup>» کشف چشایی: «أَبِيتَ عِنْدَ رَبِّي يَطْعَمَنِي وَيَسْقِينِي<sup>۶</sup>».

### ۴،۱،۲. کشف المحجوب

در این کتاب که در عرفان عملی نگاشته شده، حدود ۱۵۰ حدیث آورده شده است. به عنوان مثال ایشان در بیان اثبات علم و مرتبه علم اول آیه‌ای از قرآن کریم را بیان می‌کند سپس به حدیثی از پیامبر اکرم ۶ اشاره می‌کند که فرمود: «طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ<sup>۷</sup>» و یا در باب دیگری "التوحيد" بعد از ذکر آیه‌ای می‌گوید: «قَالَ النَّبِيُّ: رَجُلٌ فِيْمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ لَمْ يَعْمَلْ خَيْرًا قَطَّ إِلَّا التَّوْحِيدَ فَقَالَ لِأَهْلِهِ إِذَا مِتَّ

۱. تحقیق نجفقلی حبیبی.

۲. دعای جوشن کبیر، فقره ۲۸.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

۴. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۶۱.

۵. ابن ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۱۸.

۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۰۸.

۷. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۰.



فاحرقونی ثم استحققونی ثم ذرونی نصفی فی البرّ و نصفی فی البحر یوم رائج ففعلوا فقال الله عزوجل للریح اجمعی ما أخذت فإذا هو بین یدیه فقال له ما حملک علی ما صنعت فقال استحياء منک فغفر له» و یا در باب محاضره حدیثی از پیامبر اکرم 6 آورده است که «یا دلیل المتحیرین زدنی فیک تحیراً»<sup>۱</sup>، و در شرح آن می‌گوید، زیادت تحیر در مشاهده، از نوع زیادت در درجه باشد و سپس داستان حضرت ابراهیم 7 را نقل می‌کند و آیه ﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا﴾<sup>۲</sup> را شاهد بر این مطلب می‌آورد که حضرت ابراهیم 7 حضرت حق را در همه اشیا مشاهده می‌کند به گونه‌ای که او به هر چه بنگرد غیر خداوند را نمی‌بیند.<sup>۳</sup>

## ۲.۲.۲. رویکرد استشهادی

در این رویکرد ابتدا مدعا و شهود بیان می‌گردد و سپس حدیث بعنوان مؤید مطلب آورده می‌شود. برخی از کتاب‌هایی که این رویکرد را به کار گرفته‌اند از این قرارند:

### ۱.۲.۲. رساله الولاية

این رساله از جمله آثار نفیس علامه طباطبایی به شمار می‌آید. آیت الله جوادی آملی آن را بهترین اثر علامه می‌داند. در فصل اول کتاب این حدیث آمده است: «ان حدیثنا صعب مستصعب لا یحتمله إلا ملک مقرب أو نبی مرسل أو مؤمن امتحن الله قلبه للإیمان»<sup>۴</sup>. پس از آن روایتی را می‌آورد که حتی نبی مرسل و عبد مؤمن و نیز ملک مقرب را خارج کرده است. نیز روایتی از امام صادق 7 نقل می‌کند که «إِنَّ حدیثنا ما لا یحتمله ملک مقرب و لانبی مرسل ولا عبد مؤمن»<sup>۵</sup> و احادیث متعدد دیگری که در تأیید استدلال عقلی مبنی بر اینکه دنیا دار اعتبار است، آورده شده است.

### ۲.۲.۲. ممدالهمم در شرح فصوص الحکم

در این کتاب در فص حکمة نفثیة فی کلمة شیشیه حدیثی از پیامبر اکرم 6 آورده شده است که فرمودند: «والذی نفس محمد بیده لو أنکم دلّیتم بحبل إلى

۱. الانوار الساطعه، ج ۳، ص ۴۸۸.

۲. انعام/۷۹.

۳. علی هجویری، کشف المحجوب باب التوحید.

۴. صدوق، امالی، ص ۴.

۵. محمدبن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۴.

الأرض السفلى لهبط على الله»<sup>۱</sup> قسم به کسی که جان محمد در دست اوست اگر به ریسمانی به سوی پایین ترین قسمت زمین آویخته شوید (باز) خدا فرود می آید. و به این مطلب استشهاد کرده است که فرقی بین خالق و مخلوق نیست مگر در اطلاق و تقیید وجودی. آیه شریفه «اینما تولو فثم وجه الله» را نیز برای اثبات این مطلب آورده است.<sup>۲</sup>

و یا پس از بیان حدیث «كنت كنزاً مخفياً»<sup>۳</sup> می گوید: عطایای ذاتی خدا بدون واسطه شدن اسماء و صفات ظاهر نمی شوند؛ زیرا که ذات خداوند بر موجودات تجلی نمی کند مگر از وراء حجاب اسما و گوید که ظهور را بی مظهر نمی توان تصور کرد. این است سرّ این حدیث قدسی. کنز مخفی را مقام ذات و خلق را حجاب اسمائیه می داند و این نکته را یادآور می شود که رؤیت مرئی به رفع حجاب است، اما جناب دوست برای رؤیتش حجاب آفرید تا به حجاب بی حجاب دیده شود.

### ۳. کارکرد حدیث در متون عرفانی

#### ۱.۳. احادیث اعتقادی

در عرفان عملی بیشتر به احادیث اعتقادی استدلال و استشهاد می شود. احادیثی که پیشتر به عنوان استشهادی مطرح شد در این بخش جای می گیرند. مانند: «كنت كنزاً مخفياً»<sup>۴</sup>، «إنّ حدیثنا ما لا یحتمله ملك مقرب»<sup>۵</sup>، «إنّ حدیثنا صعب مستصعب»<sup>۶</sup>، «ما رأیت شیئاً إلّا ورأیت الله قبله وبعده، اللهمّ إتی بسمک یا الله یا رحمن»<sup>۷</sup>، «استتر بشعاع نوره عن نواظر خلقه»<sup>۸</sup>، «یا دلیل المتحیرین زدنی فیک تحیراً»<sup>۹</sup>.

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۱۰۷.

۲. حسن حسن زاده آملی، ممدالهمم، ص ۷۱ و ۷۲.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۹۴.

۴. همان.

۵. محمدبن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۴.

۶. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۲.

۷. دعای جوشن کبیر.

۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۴۰۳.

۹. الانوار الساطعه، ج ۳، ص ۴۸۸.

### ۲.۳. احادیث اخلاقی

احادیث اخلاقی در عرفان عملی کاربرد بسیار دارد. چنین گفته شده که عرفان عملی بر محور قرآن و حدیث شکل گرفته است: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له»<sup>۱</sup>. خواب نیکوست که مرد ببیند و یا او را ببینند. هر که مرا به خواب ببیند مرا دیده باشد؛ زیرا شیطان خویشتن را به مثال من نتوان نمود. هر که دیدار خدا را دوست دارد خدا نیز دیدار او را دوست دارد و هر که دوست ندارد، خدا نیز دوست نخواهد داشت. هر که ولیّی مرا حقیر داند با من در جنگ آمده و بنده تقرب نجوید به چیزی بهتر از فریضه... چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد به جبرئیل فرماید او را دوست بدارید پس او را اهل زمین دوست بدارند و چون بنده را دشمن بدارد، مالک گفت: پندارم درباره دشمن هم همین را فرمود. «اللهم فقهه فی الدین وعلمه التأویل»<sup>۲</sup>. «إن خذلنی نصرک عند محاربة النفس والشیطان فقد وکلنی خذلانک إلی حیث النصب والحرم»<sup>۳</sup>. «أرید أن تعرفنی نفسی»<sup>۴</sup>. «إن لله فی آیام دهرکم نفحات ألا فتعرضوا»<sup>۵</sup>. «إنی لأجد نفس الرحمن من قبل الیمن»<sup>۶</sup>. «وضع الله کفه بین کتفی فوجدت بردها بین یدیی»<sup>۷</sup>. «أبیت عند ربی يطعمنی ویسقینی»<sup>۸</sup>. «طلب العلم فریضة علی کلّ مسلم»<sup>۹</sup>. قال النبی ﷺ: «رجل فیمن کان قبلکم لم یعمل خیراً قط إلا التوحید فقال لأهله إذا متّ فاحرقونی ثم استحقونی ثم ذرونی نصفی فی البرّ و نصفی فی البحر یوم رائج ففعلوا فقال الله عزّوجلّ للریح اجمعی ما أخذت فإذا هو بین یدیه فقال له ما حملک علی ما صنعت فقال استحياء منک فغفر».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۹۱.

۳. دعای صباح.

۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۸۴.

۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

۶. کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۶۱.

۷. ابن ابی جمهور احسائی عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۱۸.

۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۰۸.

۹. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۰.

### ۲،۳. اسناد روایات در متون عرفانی

#### ۱،۲،۳. اهمیت سند

عرفا برآنند که علم آنان به علم و سخنان ائمه وابسته است<sup>۱</sup> به همین دلیل با حدیثی که از نظر سند مشکوک است بر اساس قوانین حدیثی برخورد می‌کنند.

#### ۲،۲،۳. میزان توجه به آرایه اسناد

عرفا توجه زیادی به آرایه سند ندارند. برای مثال در کتاب شرح دعای صباح از سند روایات سخنی به میان نیامده است، علت این امر را می‌توان در این بیان جناب سبزواری دریافت. او می‌گوید: چون فقرات این کتاب با آیات و روایات و ادعیه مسلمه مطابقت می‌کند در صحتش شکی باقی نمی‌ماند و دیگر نیازی به جستجوی در سند نیست.<sup>۲</sup>

#### ۳،۲،۳. گویندگان احادیث

بیشتر این احادیث از پیامبر نقل شده است. گاه از امام علی 7 و ائمه دیگر هم نقل شده است.<sup>۳</sup>

#### ۴،۲،۳. راویان احادیث

در چند کتاب جستجو شده که اسناد آن در منابع شیعی موجود نبود، احادیث از راه انس بن مالک، ابودرداء و ابوهریره نقل شده است.<sup>۴</sup>

#### ۵،۲،۳. اعتبار اسناد

بر مبنای اهل شیعه روایاتی که به ابوهریره، انس و عایشه منتهی شود از اعتبار ساقط است که بیشتر این اسناد به آنها باز می‌گردد، اما همین نظر را اهل تسنن درباره این سه نفر عکس ما دارند و بر این مبنا روایاتشان معتبر است.

### ۳،۳. فقه الحدیث در متون عرفانی

#### ۱،۳،۳. استناد به نص و ظهور

استناد به نص و ظهور در عرفان عملی و نظری متفاوت است. در روایات اخلاقی عرفا به نص و ظهور تمسک می‌کنند، اما در عرفان نظری با توجه به موضوع و مخاطب، بحث ظاهر و باطن مطرح است. گرچه در احادیث اعتقادی که

۱. مقدمه‌ای بر میانی عرفان و تصوف، دکتر سیدضیاءالدین، سجادی، ص ۷.

۲. شرح دعای صباح مقدمه مصحح.

۳. رساله قشیریه باب توبه، رساله الولاية، ص ۱۷.

۴. رساله قشیریه «این مطلب در جای جای رساله قشیریه مشهود است».

در کتاب‌های عرفان نظری مورد نظر است به باطن روایات بیشتر پرداخته می‌شود.

### ۲,۳,۳ استناد به تأویل

عرفا اهمیت زیادی برای تأویل قائلند، تا آنجا که تفسیر ظاهری بدون تأویل را همچون جسم بدون روح می‌دانند. در این باره نیز به این فرمایش پیامبر اکرم **۶** درباره امام علی **۷** استناد کرده‌اند: «اللهم فقهه فی الدین وعلمه التأویل»<sup>۱</sup>.

### ۴. نتیجه

حدیث معتبر به عنوان «قرین قرآن» یکی از منابع مورد استفاده عرفا به شمار می‌رود. در عرفان عملی بیشتر مباحث بر محور آیات قرآن و احادیث رسول اکرم **۶** شکل گرفته است. همچنین اهمیتی به ارایه اسناد وجود ندارد تا آنجا که گاه حدیثی را که در کتب روایی از پیامبر نقل شده است به یکی از مشایخ نسبت می‌دهند و این را به این معنا می‌دانند که آنان علومشان را از پیامبر گرفته‌اند. در عرفان نظری نیز بیشتر به دنبال کشف حقایق عمیق‌تر احادیث از راه «کشف باطن» و «تأویل» آنها می‌باشند.

### منابع:

۱. آشتیانی، سیدجلال‌الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم، ۱۳۷۲ ش.
۲. احسانی، ابن ابی‌جمهور، عوالی اللآلی، سیدالشهداء، قم، ۱۴۰۵ ق.
۳. اربلی، علی‌بن عیسی، کشف الغمّة، مکتبه بنی هاشمی تبریز، ۱۳۵۱ ق.
۴. ابوالقاسم عبدالکریم هوازنی بن عبدالملک بن طلحه بن محمد قشیری، رساله قشیریّه، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیحات بدیع‌الزمان فروزان‌فر، علمی فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ریحیق مختوم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۲.
۶. حسن‌زاده آملی، حسن، ممدّ الهمم در شرح فصوص الحکم، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۷. حکیم ابن سینا، الإشارات والتنبيهات، مطبوعات دینی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴.
۸. خواجه‌سوی، محمد، مفاتیح الغیب، بی نا، تهران، بی تا.
۹. دکتر منصوری لاریجانی، اسماعیل، عرفان اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
۱۰. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، إرشاد القلوب، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۹۱. به نقل از شرح دعای صباح، مقدمه کتاب.

۱۱. ربانی، محمدحسن، بررسی نظریات رجالی امام خمینی، بوستان کتاب قم، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۸
۱۲. سبزواری، ملاهادی، شرح أسماء الحسنی، تحقیق نجفقلی حبیبی، دانشگاه تهران، چاپ دوم، تیر ۱۳۷۵ ش.
۱۳. -----، شرح دعای صباح، تحقیق نجفقلی حبیبی، دانشگاه تهران، چاپ دوم، تیر، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. سجادی، سیدضیاءالدین، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، سمت، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۸۷.
۱۵. شهید مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی، صدرا، چاپ نهم، تهران، آذر ۱۳۸۳.
۱۶. صفار، محمدبن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. علامه طباطبایی، محمدحسین، طریق عرفان، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ دوم، محمد نشر بخشایش، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. فیض کاشانی، ملامحسن، الوافی فی جمع الأحادیث الکتب الأربعة القديمة.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالکتاب الإسلامية، قم، ۱۳۶۵ ق.
۲۱. ملاصدرا، مشاعر، غلامحسین آهنی، مولی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۱.
۲۲. موسوی، سیدعلی عباس، فقه الحدیث از دیدگاه عرفا، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۳۹، ۲۳. هجویری، علی، کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی، چاپ آرمان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱ ش.